برداشت صاحب حدائق و صاحب مدارک از اجماع اصحاب : تواتر الی رسول الله (ص)

نکته دیگر راجع به این بود: صاحب مفاتح الکرامه فرمودند اگر ما قول وحید و دیگران را ببینیم؛ **«کلامه ککلام الشیخ و الطبرسی و الکاشانی یعطی وجوب القراءة بهذه القراءات و إن لم تکن قرآنا رخصة و تقیة و فیه بعد**[1]». این را چند بار خواندیم. بعد فرمودند: **«و علی هذا»؛** اگر حمل بر تقیه کنیم، «**فیحمل خبر الخصال المتقدم علی التقیة و کلام الأصحاب و إجماعاتهم علی التواتر إلی أصحابها لا إلیه صلی اللّه علیه و آله و سلم و ینحصر الخلاف فیمن صرح بخلاف ذلک کالشهید الثانی**»؛ شهید فرمودند «کل ممما نزل به الروح الامین». آن جا من عرض کردم که اینطور نیست. اگر ما اجماع را حمل بر تقیه کنیم، یحمل علیه کلام الاصحاب و اجماعاتهم. اما لایمکن ان یحمل. آن جا عرض کردم. یعنی گفتم اگر اوائل در ذهن ما دغدغه داشتیم اما این «یحمل» برای آنها خندهدار است. یعنی در حق آنها محتمل نیست که بگوییم «یحمل کلام الاصحاب و اجماعاتهم علی التقیه و الرخصة». معلوم بود که اجماعات و کلام آنها محمول بر تواتر الیه صلی‌الله‌علیه‌وآله بوده. از کجا گفتم؟ چند شاهد برای آن گفتم. امروز دو شاهد دیگر هم می‌گویم. این شواهد خیلی مهم است.

یادتان هست که شهید ثانی فرمودند «کل نزل بها روح الامین»، اما دیگران هم این «کل» را گفته‌اند یا نه؟ در جلسه قبل شاهدی را عرض کردم. گفتم کسانی مثل سید نعمت الله جزائری، مثل سید صدر شارح وافیه که می‌خواستند قول تواتر را در کنند، درعین‌حال گفته‌اند مخالف ما که می‌خواهیم آن را در کنیم چه کسانی هستند؟«جمهور المجتهدین من اصحابنا ذهبوا الی ان الکل ممما نزل به الروح الامین». این چیز کمی نیست. خود سید پایان قرن یازدهم هستند. سید صدر و سید نعمت الله هردو می‌گویند و قبول دارند. آسید محمد مجاهد هم در مفاتیح از آنها نقل کرده‌اند. پس چطور می‌گویید «کلام الاصحاب و اجماعاتهم محمول علی التقیه»؟! اینکه معنا ندارد. یعنی «کل ممما نزل» را آنها از حرف آنها فهمیده‌اند. و درست فهمیده‌اند. چند مورد دیگر هم عرض کردم که دیگر بر نمی‌گردم. از قطب راوندی و از مناقب گفتم. دو مورد دیگر هم امروز پیدا کردم که خیلی جالب است.

در حدائق جلد هشتم، صفحه ۹۶ و ۹۵؛ وقتی به این دو عبارت مراجعه می‌کنید به‌وضوح برداشت این دو بزرگوار از علماء قبل از قرن یازدهم این است که آنها قائل بوده‌اند به اینکه تواتر یعنی تواتر به پیامبر خدا. یکی عبارت صاحب مدارک است و دیگری برداشت خود صاحب حدائق است. یعنی خود صاحب حدائق که برای بعد از خودشان هنگامه ای به پا کرده‌اند، می‌گوید. در صفحه ۹۵ صاحب مدارک می‌فرمایند:

> قال في المدارك و هو منسوب للمرتضى في بعض رسائله ثم قال و لا ريب في ضعفه.ثم قال و لا يخفى ان المراد بالإعراب هنا ما تواتر نقله في القرآن لا ما وافق العربية لأن القراءة سنة متبعة، و قد نقل جمع من الأصحاب الإجماع على تواتر القراءات السبع و حكي في الذكرى عن بعض الأصحاب انه منع من قراءة أبي جعفر و يعقوب و خلف و هي كمال العشر ثم رجح الجواز لثبوت تواترها كتواتر السبع. قال المحقق الشيخ علي بعد نقل ذلك و هذا لا يقصر عن ثبوت الإجماع بخبر الواحد فيجوز القراءة بها[2]

«قال في المدارك ... و لا يخفى ان المراد بالإعراب هنا»؛ اینکه می‌گویند در نماز باید قرائت را مراعات کنید و اگر اعراب را غلط بخوانید نمازتان باطل است، منظور نه جر عربی است؟! یعنی همین که عربی درست باشد؟! می‌گویند نه، **«ما تواتر نقله في القرآن»؛** آن اعرابی منظور است که به‌طور متواتر نقل شده باشد. ببینید عبارت چقدر صریح است!**«لا ما وافق العربية»؛** نه صرف اعرابی که با عربیت موافق است. حتماً اعرابی که در نماز باید مراعات کنید و اگر نکنید نمازتان باطل است، اعراب موافق عربیت نیست که بگویید «جاء زیدا» غلط است و «جاء زید» درست است. نه، حتماً اعرابی باید باشد که نقلش متواتر باشد. چرا؟**«لأن القراءة سنة متبعة»؛** قرائت که تنها نه جر عربی نیست. این قرائت و این اقراء باید از پیامبر خدا نقل شده باشد. «سنة متبعة». اجتهاد عاصم و ابن کثیر سنت متبعه می‌شود؟! اصلاً این را احتمال می‌دهید؟!

«و قد نقل جمع من الأصحاب الإجماع على تواتر القراءات السبع»؛ تواتر و تواتر. فرمودند اعراب آنی است که متواتر نقل شده باشد. نه «ما وافق العربية». بعد در کنار تواتر گفتند: «لان القرائة سنة متبعة».در ادامه می‌گویند جمعی از اصحاب ما بر تواتر نقل اجماع کرده‌اند. یعنی بر تواتر سنة متبعة. چقدر عبارت ایشان روشن است! یعنی تلقی ایشان از اجماع اصحاب، اجماع بر سنت متبعه است. نه بر اجتهاد الی اصحابها و این هفت نفر. این عبارت صاحب مدارک خیلی خوب است. دلالت دارد بر تلقی صاحب مدارک. به نظرم وفات ایشان ۱۰۰۹ بود. یعنی عمر ایشان در قرن دهم بوده و در ابتدای قرن یازدهم به رحمت خدا رفته بودند. عبارت ایشان در حجت اجماع و تواتر خیلی محکم است.

دومی در صفحه ۹۶ است. صاحب حدائق بعد از اینکه عبارت مدارک را می‌آورند، می‌گویند:

> و على هذا المنوال من الحكم بتواتر هذه القراءات عنه (صلى اللّٰه عليه و آله) جرى كلام غيره من علمائنا في هذه المجال، و هو عند من رجع إلى اخبار الآل (عليهم صلوات ذي الجلال) لا يخلو من الاشكال و ان اشتهر في كلامهم و صار عليه مدار نقضهم و إبرامهم حتى قال شيخنا الشهيد الثاني في شرح الرسالة الألفية مشيرا الى القراءات السبع:فان الكل من عند اللّٰه تعالى نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ على قلب سيد المرسلين (صلى اللّٰه عليه و آله) تخفيفا على الأمة و تهوينا على أهل هذه الملة انتهى[3]

برای اینکه «و على هذا المنوال» را از کلام صاحب مدارک نگیرید من قبل از آن یک «انتهی» گذاشتم. کلام مدارک در «الوجدان» تمام شد. از اینجا عبارت خود صاحب حدائق است. صاحب حدائق می‌گویند:

«و علی هذا المنوال من الحکم بتواتر هذه القراءات عنه (صلی اللّه علیه و آله) جری کلام غیره»؛ غیر از صاحب مدارک،**«من علمائنا في هذه المجال»؛** یعنی تلقی صاحب حدائق هم این است که کلام همه علماء ما که تواتر را می‌گویند یعنی تواتر الیه صلی‌الله‌علیه‌وآله. نه الی اصحاب‌ها. پس این هم شاهد خیلی خوبی است از اینکه صاحب حدائق هم می‌دانند تمام اصحابی که تواتر را نقل کرده‌اند، منظورشان تواتر به آن هفت نفر نبوده است. بلکه تواتر به خود پیامبر بوده است. بعد شروع به اشکال کردن می‌کنند که بحث امروز ما است.

بنابراین ما دو مورد دیگر پیدا کردیم تا کسی نگوید «ینحصر الخلاف فی من صرح»، بلکه صاحب حدائق هم می‌گوید همه آن‌ها تواتر دارند. صاحب وسائل هم گفته بودند. ایشان در کتاب تواتر القرآن تصریح می‌کنند. من عبارتشان یادم نیست اما در ذهنم هست که نزد ایشان حالت تمسخر دارد که بگوییم تواتر یعنی تواتر به این هفت نفر. ایشان می‌گویند اینها چه کاره هستند که بخواهند در کلام خدا محلی از اعراب داشته باشند! صاحب وسائل در کتاب تواتر القرآن این را می‌گویند. حال به بحث امروز بیاییم.

---

[1]مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة(ط - دار الاحیاء التراث) ج۲ ص۳۹۳

[2]الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة ج ۸ ص۹۵

[3]همان ۹۶

بازبینی #2
ایجاد شده 27 آوریل 2024 13:14:59 توسط ... .
به روزرسانی شده 4 ژوئن 2024 11:45:59 توسط ... .